آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۹۵۷
سه شنبه
۱۴۰۳ • ۰۸ • ۰۸
۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶/ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۴

نگره

پشت پرده یارکشی جدید ابوظبی برای غصب جزایر ایرانی

تهران تاکتیک جدیدی در پیش گرفته است؟

ملکی هفته گذشته اعلام کرد که ساخت یک پروژه مسکونی در ابوموسی، یکی از سه جزیره‌ای که ایران و امارات متحده عربی بر آن اختلاف دارند را آغاز کرده است. این جزایر که در نزدیکی ورودی تنگه هرمز قرار دارند، از سال ۱۹۷۱ به طور رسمی تحت کنترل ایران هستند. ارسلان ملکی، معاون وزیر راه و شهرسازی ایران در تاریخ ۲۱ اکتبر گفت که روند اداری پروژه‌ای برای ساخت ۱۱۰ واحد مسکونی در ابوموسی آغاز شده است. او اشاره کرد که ساخت این خانه‌ها به زودی شروع خواهد شد و مقامات محلی در استان هرمزگان ایران مطلع شده‌اند. پس از آماده شدن، این خانه‌های جدید به ساکنان محلی استان یا متقاضیان از سایر نقاط ایران ارائه خواهد شد. ملکی با اشاره به اهمیت استراتژیک جزیره به‌رغم اندازه کوچک آن، گفت: «جزیره ابوموسی بخشی جدایی‌ناپذیر از اراضی ملی جمهوری اسلامی ایران است و بر اساس قوانین کشورمان، ساخت‌وساز در ابوموسی مجاز است و برنامه‌های مسکونی در این جزیره اجرا خواهد شد.» او گفت که «تکرار ادعاهای بی‌اساس امارات متحده عربی» در مورد این سه جزیره و صدور «بیانیه‌های سیاسی مشترک» با سایر طرف‌ها فاقد «مشروعیت» است. چند روز پس از این اعلامیه، مسعود پزشکیان با شیخ محمد بن زاید، همتای اماراتی خود در حاشیه نشست بریکس در کازان روسیه دیدار کرد. در حالی که بیانیه دفتر پزشکیان اعلام کرد که دو طرف در مورد «تحولات جاری در غرب آسیا، از جمله جنگ در غزه و لبنان» گفت‌وگو داشتند، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران تأیید کرد که وضعیت جزایر نیز مورد بحث قرار گرفته است.

زمینه تاریخی

پس از اینکه بریتانیا در سال ۱۹۰۳ کنترل این سه جزیره را به دست گرفت، در رفتاری جانبدارانه و غیر اصولی و به خاطر وارد کردن فشار بر ایران ابتدا پرچم امارت شارجه را بر روی جزایر تنب بزرگ و ابوموسی به اهتزاز درآورد و سپس در سال ۱۹۰۸، بر روی جزیره تنب کوچک نیز پرچم را برافراشت. اما در سال ۱۹۷۱ و بلافاصله پس از خروج نیروهای بریتانیایی از جزایر و پیش از استقلال امارات، نیروی دریایی ایران کنترل جزایر را در دست گرفت. از آن زمان، این سه جزیره موضوع اختلافی بین تهران و ابوظبی بوده‌اند. به گفته تهران، این جزایر به طور تاریخی بخشی از ایران هستند و تهران می‌گوید مستندات قانونی زیادی مالکیت آن را تأیید می‌کند. اما امارات مدعی است که این جزایر قرن‌ها تحت اشغال عرب‌ها بوده‌اند.

گلوگاه موازنه

به دلیل موقعیت مهم این جزایر، کنترل آن‌ها می‌تواند توازن قدرت در خلیج فارس را تغییر دهد و آن‌ها بخشی اساسی از استراتژی امنیتی ایران هستند. در آگوست ۲۰۲۳، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران حتی در این جزایر تمرینات نظامی انجام داد تا نشان دهد هرگونه تلاش برای به دست آوردن جزایر با مقاومت مواجه خواهد شد. به گفته مهران حقیریان، مدیر ابتکارات منطقه‌ای بنیاد بورس و بازار، رویکرد ایران در تقویت حضور در جزایر از سال ۲۰۱۲ ثابت مانده است. او اشاره کرد که طی سال‌ها، رویکرد تهران «مشخصه یک گسترش مداوم» از زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی در ابوموسی بوده و فعالیت‌های ایرانی در این جزیره به طور مداوم افزایش یافته است. در همین حال، عفیفه عبیدی، محقق مرکز تحقیقات استراتژیک به المانیتور گفت که توسعه اقتصادی تهران در سه جزیره «برنامه جدیدی نیست.» او اشاره کرد: «این توسعه بر اساس سیاست‌ها و برنامه‌های کلی ایران انجام می‌شود. برنامه‌ریزی برای مسکن در این جزایر نیز از پیش انجام شده است.»

جانبداری اتحادیه اروپا

جالب است که برنامه‌های مسکونی ایران پس از نخستین نشست بین اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۱۶ اکتبر سرعت گرفت. این اجلاس با بیانیه‌ای مشترک و نهایی‌کردن شراکت استراتژیک بین دو طرف پایان یافت. این بیانیه به طور خاص به جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی اشاره می‌کند و از ایران می‌خواهد که «اشغال سه جزیره امارات متحده عربی را پایان دهد»، زیرا این امر «نقض حاکمیت امارات و اصول منشور سازمان ملل» محسوب می‌شود. در واکنش به بیانیه، سیدعباس عراقچی اعلام کرد که تهران دیگر اجازه مداخله در امور خود را نخواهد داد. او با انتقادی تند گفت که بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس پیام‌های زیادی دارد: «برای ما روشن شده که مسیر همکاری محترمانه‌ای که در چندین جلسه ارائه دادیم، با تمایل اروپا به رویارویی مواجه شده است.» فرستاده دائمی ایران در سازمان ملل نیز ضمن محکوم‌کردن این بیانیه گفت که اگرچه رهبران اروپایی در طول جلسات با مسعود پزشکیان در حاشیه ۷۹ مین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل اذعان کرده بودند که نگرانی‌های مشترک می‌تواند از طریق گفت‌وگو حل‌وفصل شود، اما آن‌ها «به ادعاهای بی‌اساس در مورد حاکمیت و تمامیت ارضی ایران تسلیم شده‌اند.»

فشار بر تهران؟

قبل از بیانیه مشترک با اتحادیه اروپا، بیانیه‌های مشابهی در مورد مالکیت سه جزیره از سوی شورای همکاری خلیج فارس با چین و روسیه پس از جلسات سطح بالا منتشر شده بود و به نظر می‌رسد به‌رغم وضعیت دوستانه روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس، ابوظبی تدریجا بر تهران فشار می‌آورد. ادعای ابوظبی که توسط شورای همکاری خلیج فارس ارائه شده بود، دو بار توسط پکن در سال جاری و در سال ۲۰۲۲ مورد حمایت قرار گرفت و در هر دو بار، نماینده چین به دلیل اعتراض توسط دولت ایران احضار شد. همچنین، نماینده روسیه نیز در سال ۲۰۲۳ دو بار توسط وزارت امور خارجه ایران احضار شد. در حالی که ابوظبی می‌خواهد برای یافتن راه‌حل مذاکرات انجام دهد، تهران مکررا از ورود به مذاکرات امتناع کرده و بر این نکته تأکید داشته که جزایر بخشی «جدایی‌ناپذیر» از خاک ایران هستند. به گفته حقیریان، از سال ۲۰۱۲، هیچ تغییر اساسی در موضع امارات وجود نداشته است.

علی بیگدلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران باید به سمت کنترل تنش و درگیری حرکت کند

احتمال آتش‌بس بین اسرائیل و حماس افزایش پیدا کرده است

هنوز موضع ایران در مقابل ریاست جمهوری ترامپ مشخص نیست

آرمان ملی- احسان انصاری: مهم‌ترین پیامدهای حمله اسرائیل به ایران چیست؟ ایران چه پاسخی به تجاوز اسرائیل خواهد داد؟ آیا درخواست آمریکا برای کاهش تنش و درگیری موقت است و یا در آینده نیز ادامه خواهد داشت؟ در صورتی که ترامپ در آمریکا به قدرت برسد معادلات خاورمیانه با محوریت ایران در چه مسیری حرکت خواهد کرد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر علی بیگدلی تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بیگدلی در این زمینه معتقد است: «بهترین اقدامی که ایران در این شرایط از خود نشان خواهد داد تلاش برای کنترل تنش و سطح درگیری است. به نظر نمی‌رسد ایران نشان داده که در پاسخ به چنین رفتارهایی فقط منافع و موقعیت خود را در نظر می‌گیرد اما در هر صورت، ادامه درگیری و منازعه هزینه سنگین خواهد داشت و به همین دلیل ایران در حال بررسی شرایط است. عده‌ای بر این باورند که ادامه تنش به سود ما نیست. این افراد اغلب نگاه به اوضاع اقتصادی دارند و با توجه به مشکلاتی از این دست معتقدند سطح تنش را باید در حدی پایین نگه داشت که لطمه‌ای به اقتصاد کشور وارد نشود. امیدواریم که در آینده همین اتفاق رخ بدهد.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مهم‌ترین پیامدهای تجاوز اسرائیل به نقاطی در کشورمان چیست و فکر می‌کنید در شرایطی که این حمله کم اثر و ضعیف بوده، چه واکنشی بهتر است به این حمله داده شود؟

می‌دانیم که عملکرد رژیم صهیونیستی با آمریکا هماهنگ می‌شود و به همین خاطر این کار با کنترل آمریکا صورت گرفته است. اما آمریکا این روزها درگیر انتخابات است و تمایلی به افزایش تنش و درگیری در منطقه خاورمیانه ندارد. اگر اسرائیل به نقاط حساس مانند پالایشگاه‌ها و مراکز نفتی حمله می‌کرد، در آن صورت روی قیمت‌های جهانی نفت اثر می‌گذاشت. نگرانی از افزایش قیمت نفت در آمریکا سنتی قدیمی است. به همین دلیل آمریکا تلاش کرد اسرائیل را کنترل کند. نکته دیگری که در این زمینه حائز اهمیت است این است که سفری که آقای عراقچی به کشورهای منطقه داشته نتایج مثبتی به همراه داشته است. قبل از اینکه رژیم صهیونیستی تحرک خود را آغاز کند، موضوع از مسیرهایی به ایران رسیده بود و این آگاهی وجود داشت که چه نقاطی مورد تهدید قرار می‌گیرند. اثر اطلاع از این مورد مهم، این بود که بلافاصله سهام در بازارها سبز شد، قیمت دلار فروکش کرد و قرار شد یک میلیون سکه به بازار تزریق شود. همه این مسائل نشان می‌دهد که ایران از قبل جزئیات ماجرا را می‌دانسته است. این نکته به خوبی نشان می‌دهد که مذاکرات محرمانه‌ای که عراقچی با شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس داشته نتیجه داده است. در مجموع روشن شد که حمله اسرائیل به چه صورت بوده و در نهایت بهترین تصمیم از سوی مسئولان ارشد کشور گرفته خواهد شد. اینکه برخی دیدگاه‌های افراطی حرف‌هایی مطرح می‌کنند که با سیاست‌های اعلامی مغایرت دارد، عجیب است. یکی از نمایندگان عنوان کرده بود که ما باید به سمت سلاح خاص حرکت کنیم. چنین دیدگاه‌هایی در شرایط کنونی اشتباه محض است و ما در حال حاضر نباید به چنین سمتی حرکت کنیم. به نظر می‌رسد بهترین اقدامی که ایران در این شرایط از خود نشان داد، تلاش برای کنترل تنش و درگیری است. ایران نشان داده که در پاسخ به چنین رفتارهایی فقط منافع و موقعیت خود را در نظر می‌گیرد، اما در هر صورت، ادامه درگیری و منازعه هزینه سنگین خواهد داشت و به همین دلیل ایران در حال بررسی شرایط است. عده‌ای بر این باورند که ادامه تنش به سود ما نیست. این افراد اغلب نگاه به اوضاع اقتصادی دارند و با توجه به مشکلاتی از این دست معتقدند سطح تنش را باید در حدی پایین نگه داشت که لطمه‌ای به اقتصاد کشور وارد نشود. امیدواریم که در آینده همین اتفاق رخ بدهد.

اگر تنش‌ها کنترل شود، چقدر احتمال دارد که گام بعدی آرامش در غزه باشد؟ آیا این احتمال وجود دارد در غزه آتش‌بس اعلام شود و تنش در خاورمیانه روند کاهشی به خود بگیرد؟

در ساعات گذشته بنا به درخواست آقای عراقچی جلسه شورای امنیت سازمان ملل برگزار شد. فرانسه نیز در هفته‌های اخیر رابطه تیره و تاری با اسرائیل پیدا کرده است. از سوی دیگر روسیه و چین نیز ممکن است به سود ایران عمل کرده و علاوه بر محکومیت چنین رفتاری، برای کاستن از سطح تنش‌ها بیشتر تلاش کنند. نکته دیگر اینکه در شرایط کنونی رئیس سیا و موساد در دوحه قطر هستند و احتمال دارد نماینده‌هایی از مصر و حماس نیز در دوحه حضور یابند. در یکی از رسانه‌ها گفته شد که حماس با همه مفاد آتش‌بس موافقت کرده و حتی خبر رسید که نیمی از گروگان‌های اسرائیل را در مقابل آزادی زندانیان فلسطینی آزاد خواهد کرد. عقلانیت سیاسی با در نظر گرفتن سود و زیان، آنهم وقتی شرایط برای مردم سخت و دشوار باشد بر آتش‌بس و کاستن از سطح تنش حکم می‌کند البته نمی‌توان برای حماس نسخه پیچید. آنها در میدان هستند و بهتر از هر کسی به سود و زیان خود وقوف دارند. در کنار مسائلی مانند آینده غزه، حزب‌ا... لبنان هم شرایط خود را دارد. وضعیت نامتعادل نتانیاهو در ساختار سیاسی اسرائیل در افزایش درگیری‌ها نقش داشته است که اگر پایان درگیری را بپذیرد، به معنای پایان عمر سیاسی او خواهد بود و این یکی از دلایل طولانی شدن درگیری در منطقه است و پیوسته تلاش می‌کند برگ‌های برنده برای خود جمع کند و در این راه حتی اهمیتی به زندگی مردم عادی اسرائیل نمی‌دهد. هدف وی این است که موقعیت خود را در ساختار سیاسی اسرائیل تقویت کند. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم هست که بایدن تلاش می‌کند قبل از پایان دوره‌اش به دستاوردی در این زمینه برسد. از این رو به احتمال زیاد در روزهای آینده شاهد کاستن از درگیری‌ها و حتی آتش‌بس کامل خواهیم بود.

> برخی دیدگاه‌های افراطی حرف‌هایی مطرح می‌کنند که با سیاست‌های اعلامی مغایرت دارد، عجیب است یکی از نمایندگان عنوان کرده بود که ما باید به سمت سلاح خاص حرکت کنیم

اختلاف نظر بین بایدن و نتانیاهو در ماه‌های اخیر افزایش پیدا کرده است. آیا در شرایطی که آمریکا به دنبال صلح در خاورمیانه قبل از انتخابات است، نتانیاهو در مسیری که مورد نظر بایدن است حرکت خواهد کرد؟ یا این احتمال وجود دارد که نتانیاهو همچنان در مسیر افزایش تنش حرکت کند؟

نتانیاهو به دلیل نوع تفکری که محافظه‌کار افراطی مذهبی است به ترامپ خیلی نزدیک‌تر است. ترامپ نیز در دورانی که رئیس جمهور آمریکا بود طرح ابراهیم را اجرا کرد که به سود نتانیاهو تمام شد. البته اختلاف نظر بین بایدن و نتانیاهو مشهود است، اما به نظر می‌رسد درباره تنش بین ایران و اسرائیل نتانیاهو تا حدودی تحت تأثیر پیشنهادات بایدن قرار گرفته است. نافرمانی نتانیاهو از بایدن باعث شده که در نظرسنجی‌های مختلفی که در آمریکا صورت گرفته میزان محبوبیت خانم هریس کاهش پیدا کند که این موضوع باعث نگرانی بایدن شده است. هنوز مشخص نیست در روزهای آینده چه اتفاقاتی در انتخابات آمریکا رخ خواهد داد. با این وجود اگر در روزهای آینده بین حماس و اسرائیل آتش‌بس صورت بگیرد این اتفاق به سود هریس خواهد بود و جایگاه وی را بهتر خواهد کرد. البته از این نکته نیز نباید غافل شد که مردم آمریکا زیاد به سیاست خارجی این کشور توجه نمی‌کنند، با این حال بایدن هم در خاورمیانه ناموفق بوده و هم در جنگ اوکراین. این موضوع نیز روی رأی خانم هریس به خصوص در هفت ایالت کلیدی آمریکا تأثیرگذار خواهد بود. به نظر می‌رسد شرایط به سمتی در حال حرکت است که در نهایت ترامپ پیروز می‌شود مگر اینکه در همین مدت کوتاه بین اسرائیل و حماس آتش‌بس صورت بگیرد که روی آرای خانم هریس تأثیر مثبت بگذارد.

> شرایط به سمتی در حال حرکت است که در نهایت ترامپ پیروز می‌شود مگر اینکه در همین مدت کوتاه بین اسرائیل و حماس آتش‌بس صورت بگیرد که روی آرای خانم هریس تأثیر مثبت بگذارد

در صورتی که ترامپ دوباره به قدرت برسد، معادلات در خاورمیانه به چه سمتی خواهد رفت؟

ایران با ترامپ بر سر دو موضوع اساسی اختلاف دارد که یکی ترور سردار سلیمانی بوده و دیگری خروج از برجام. به همین دلیل باید عنوان کرد کدورت‌های عمیقی بین ایران و ترامپ وجود دارد. به خاطر داریم که بایدن قبل از اینکه سوگند ریاست جمهوری بخورد اعلام کرده بود که به دنبال از سر گیری مذاکرات برای احیای برجام است. این حرف بایدن نشان می‌داد که ترامپ دست به کاری زد که در بین خود آمریکایی‌ها هم نکوهش شده بود. در حالی که انتظار می‌رفت موضوع برجام با آمدن بایدن حل و فصل شود اما محالفت‌های داخلی اجازه شکل‌گیری توافق را نداد و ما فرصت مهمی را از دست دادیم. برخی تحلیلگران معتقدند که بخشی از تنگناها و مشکلات امروز در همان عدم توافق نهفته است. نمی‌توان انکار کرد که اگر ترامپ در انتخابات آمریکا به پیروزی برسد به ضرر ایران تمام شده و معدود کانال‌های ارتباطی ما با آمریکا هم مسدود یا بی‌اثر خواهد شد. نکته دیگری هم هست که شایسته دقت و توجه است. ترامپ فرد عملگرایی است و این احتمال وجود دارد که فضای جدیدی برای مذاکره و پیشبرد اهداف ایران به وجود بیاید. سوال مهمی که وجود دارد این است که در چنین شرایطی موضع ایران نسبت به سابقه ترامپ چه خواهد بود؟ آیا زمینه برای تغییر وجود خواهد داشت یا خیر. نکته مهم دیگر اینکه درباره پیش‌بینی نتیجه انتخابات آمریکا می‌توان به این توجه کرد که فضای عمومی آمریکا و به خصوص فضایی که بر جمهوری خواهان حاکم است، فضایی ضد زن است و ماهیت آن را در مورد خانم کلینتون مشاهده کردیم. امتیازهایی که خانم کلینتون داشت به مراتب از خانم هریس بیشتر بود. کلینتون هم خودش وزیر امور خارجه بود و هم همسر رئیس جمهور بود، با این وجود به دلیل نوع رأی‌گیری که در آمریکا وجود دارد در نهایت کلینتون در انتخابات از ترامپ شکست خورد.

سید جلال ساداتیان:

درگیری ایالات متحده در این منطقه به نفع روسیه و چین خواهد بود

یک دیپلمات با سابقه وزارت امور خارجه در رابطه با ابعاد تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان و علل گسترش درگیری‌ها در منطقه عنوان کرد: به نظر می‌رسد چندین عامل تأثیرگذار در این موضوع وجود دارد که تا حدودی پیش از حملات، در تحلیل‌هایی که ارائه شده بود، مورد بحث قرار گرفته‌اند. نه تنها من، بلکه دیگران نیز در تحلیل‌های خود به این مسأله اشاره کرده‌اند. در حال حاضر، دو یا سه نکته را مطرح می‌کنم؛ حمله اسرائیل به احتمال قوی به دلیل انتخابات ایالات متحده محدود بود. سید جلال ساداتیان گفت: به عبارت دیگر، دولت حاکم بر ایالات متحده که متشکل از دموکرات‌هاست و کاندیدای آن‌ها، خانم کامالا هریس، در رقابتی نزدیک با ترامپ قرار دارد، اگر تنش‌ها افزایش یابد و حملات به نحوی پیش رود که اسرائیل بخواهد به زیرساخت‌های ایران حمله کند، این امر می‌تواند ایران را وادار کند که نقاطی از اراضی اشغالی را هدف قرار دهد و در نتیجه ایالات متحده را به دخالت وادار کند؛ چراکه ایالات متحده متعهد به حفظ امنیت اسرائیل است، اما در عین حال منافع ملی خود را نیز مدنظر دارد. وی ادامه داد: منافع ملی ایالات متحده در این مقطع زمانی اقتضا نمی‌کند که قیمت انرژی افزایش یابد، زیرا این امر می‌تواند تأثیرات جهانی به همراه داشته باشد. شاهد تلاش‌های آمریکایی‌ها برای جلوگیری از این وضعیت بوده‌ایم، از جمله اینکه آقای بایدن به صراحت اعلام کرده است که به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نشود. این امر نوعی دستور به اسرائیل تلقی می‌شود. همچنین بایدن در خصوص حمله به تأسیسات نفتی ایران نیز بیان کرده است که اگر جای اسرائیل بود، به این موضوع فکر نمی‌کرد. سفیر سابق ایران در انگلستان تصریح کرد: آمریکا و ناتو نیز در این خصوص محتاط هستند، زیرا درگیری ایالات متحده در این منطقه به نفع روسیه و چین خواهد بود. این در حالی است که بسیاری بر این باورند که آمریکا از لحاظ نظامی قادر است به زیرساخت‌های ایران آسیب جدی وارد کند، اما این امر به سادگی قابل تحقق نیست. همان‌طور که اشاره شده است، انتخابات ممکن است به نفع ترامپ تمام شود و در این صورت، او ممکن است از این شرایط بهره‌برداری کند. به همین دلیل، تلاش‌ها برای جلوگیری از درگیری‌ها ادامه دارد تا این تنش‌ها به حدی نرسد که منجر به بحران شود.

یادداشت

ایران، ترکیه و ارز تاواریش

محمدعلی دستمالی
کارشناس مسائل بین‌الملل

موضوع قدرت‌نمایی بریکس در صحنه سیاست و اقتصاد بین‌الملل، آنقدر برجسته شد که حتی دست ندادن اردوغان با پزشکیان در عکس یادگاری اجلاس کازان، این شائبه را به وجود آورد که احتمالا رئیس جمهور ترکیه تصور کرده که عدم عضویت کشورش در بریکس، به این دلیل بوده که ایران در گوش چین و روسیه خوانده مبادا یک عضو ناتو را به جمع بریکس راه دهید! در حالی که در پشت صحنه چنین خبری نیست و نه تنها ترکیه، بلکه دیگر کشورهای خواهان عضویت هم به اتاق انتظار فرستاده شدند و بریکس نشان داد که فعلا خیال توسعه ندارد. عدم عضویت ترکیه در بریکس، در رسانه‌های داخلی این کشور، زمینه آن را فراهم کرد که سیاستمداران و تحلیلگران منتقد اردوغان و حزب عدالت و توسعه، دولت را به رگبار نیش و کنایه ببندند و بگویند آن قدر اشتیاق نشان دادید که بریکس هم ما را به جمع خود راه نداد! البته واقعیت این است که انتظار اصلی تیم اردوغان، این بود که موضوع عضویت این کشور در جمع بریکسی‌ها، در نشست کازان، نهایی شود. اما چرا؟ آیا ترکیه مبادلات تجاری عظیمی با اعضای بریکس به راه انداخته و به این جمع‌بندی رسیده که ارتقاء به رده عضو رسمی، کاتالیزوری برای افزایش حجم مبادلات و کاهش هزینه‌های گمرکی است؟ خیر. واقعیت این است که ترکیه همین حالا هم روابط اقتصادی کلان و سودمندی با روسیه و امارات دارد و با کشورهای ایران، چین، مصر، آفریقای جنوبی و اتیوپی هم تجارت قابل توجهی دارد و چنین نیست که سود اقتصادی عظیمی را در پرونده عضویت دنبال کند. مساله ترکیه چیز دیگری است و پافشاری بر تسریع اعلام عضویت، ریشه در روابط ترکیه و غرب دارد! اشتیاق آنکارا برای پیوستن به بریکس، نه یک عزم معطوف به اراده و کنش، بلکه یک تصمیم نمادین از نوع واکنش و اعلام موضع در برابر غرب است. اردوغان چند سال پیش هم در دیدار با پوتین، آشکارا اعلام کرد که تمایل دارد کشورش عضو شانگهای شود، اما در همان مقطع تاریخی نیز، این سخن دقیقا در شرایطی بیان شد که ترکیه، امیدی به پیشبرد مذاکرات تکمیل روند عضویت در اتحادیه اروپایی نداشت و علاوه بر این، در خرید سامانه‌های موشکی غربی ناکام مانده و برای خرید اس ۴۰۰ روسی، به تصمیم نهایی رسیده بود. به بیانی دیگر، ترکیه در شرایطی برای عضویت در شانگهای و بریکس اعلام اشتیاق و تمایل کرد که امید به عضویت در اتحادیه اروپا کاهش یافته و عضویت در ناتو هم نتوانست تضمینی برای خرید سامانه‌های موشکی و هواپیماهای جنگنده باشد و حتی برای خرید جنگنده اروپایی نیز، با موانع جدی روبه‌رو شده است. ترکیه در شرایطی کلون دروازه بریکس را گرفته و دق‌الباب می‌کند که بیش از هر زمان دیگری «دلارلازم» است! برای آنکه تصویر روشنی از وابستگی ترکیه به دلار و تجارت با غرب داشته باشیم، به این آمار ساده و سرانگشتی نگاه کنید: «ارزش هر ۱ دلار آمریکا به رقم شگرف ۳۵ لیره نزدیک شده و یورو هم از ۳۷ لیره فراتر رفته است! حجم بدهی خارجی دولت و بخش خصوصی ترکیه به بانک‌های خارجی، رقمی نزدیک به ۵۰۸ میلیارد دلار است و هر یک قوروشی که به ارزش دلار افزوده می‌شود، میزان بدهی به شکلی تصاعدی و نگران‌کننده، بالا و بالاتر می‌رود. حجم مبادلات تجاری ترکیه – آمریکا به ۳۱ میلیارد دلار رسیده و مجموع تجارت ترکیه – اروپا نیز رقمی نزدیک به ۲۱۰ میلیارد دلار است. پس قبول کنیم که اساسا مسیر اقتصاد ایران و ترکیه دو مسیر متفاوت هستند و طبیعتا انگیزه‌های این دو کشور از عضویت در بریکس، تفاوت قابل توجهی دارد. نظر به آمارهای بالا، برخلاف ایران، در ترکیه کسی از پایان عصر دلار و افول غرب حرفی نمی‌زند و حتی رسانه‌های تحت امر اردوغان نیز، ارز بریکس را به عنوان جایگزین آتی دلار قلمداد نمی‌کنند. چرا؟ شاید کارل مارکس بتواند به این سوال پاسخ جالبی بدهد. می‌دانیم که بر اساس نظریات مارکس، «این آگاهی انسان نیست که هستی اجتماعی او را تعیین می‌کند، بلکه هستی اجتماعی است که به آگاهی او شکل می‌دهد. شاید اگر بتوانیم همین سخن مارکس را به عالم اقتصاد سیاسی و تجارت بین‌الملل تعمیم دهیم، به چنین استنتاجی برسیم: این تجارت خارجی کشورهاست که مسیر سیاست خارجی آنها را تعیین می‌کند! اگر این گزاره درست باشد، به این معنا خواهد بود که احتمالا اگر ما هم شرایطی مانند ترکیه داشتیم، شاید عضویت در بریکس را نهایتا در حد یک عکس یادگاری و دورهمی دیپلماتیک تلقی می‌کردیم.